

سلام و درود در عابرا امام دامت ، لایم که ما باید با تلاش رهبر و ایثار و  
شهادتان رهبری دامت جانیان را عینیت بخشیم و جهان انقلابی اسلامی  
بازیم دانه شهای پست استکبار را نابود سازیم . انقلاب خونین ما سنگر  
به سنگر لفر جبار اعدای شانه و ایثار بارگت خدائی "جنت" مقدمه ای شد  
برائیس اتحاد همیرا اسلامی "انشاء الله" ، بدانید که این موضع ایثار می تواند  
و خون که پیادش نصر الهی است که پروری اسلام در اثر رنج و سعی و کوشش و زهد و  
ناراحتی و خون راون است . بده ما می خیم دین به همگیونه سازش مرمیم و با شمار .  
همشین ، "یا ففتح یا الله هادیت" می خیم در سیاست "الله شرفی ،  
الله غریبی" در سخنانه پامش ایم چون تعقد به خدایم . برادران (خواهران) همگیونه

انده و غرنی به دل راه نه شهید چون سیران آرایش است درناج انسی و شابر بر اگر  
نمون بشید و از زهر عصاره مکتب بیایم که چون گره استوار در سبیل دشمن و  
چون گاه در سبیل خدا و ما هم در سبیل مصائب باره همچون گره بشیم چون سوسن راه گره پذیرت  
مانند نسیم .

خدایا - معبودم ای آنکه همه چیزم به توست - ای آنکه نه در کاغذی تویی نه با  
قلم وصف می شوی . آنچنان تار و پودم آغشته به گناهی که فعلاً یارای صحت با تو  
ندارم و هر وقت که خواهم زمان بشم شرمنده ام - با این وضع رحمی بر من کن مرا بچسب  
منیدانم که کشنده ای و مهربان - بارها فکر کرده ام با خودم در نهایت به این نتیجه  
رسیده ام که فقط در لباس شهید و با کتوی شهید می توانم درد ادوات حضور یابم بجز  
این مرگ که شرمنده ام و رسوا . خدایا شاکرم از اینکه تا این حد هدایتم کردی - خدایا اگر

آدمی در راحت برداشتم از من بپذیر . محترم میدانم که چنینی ولی در دل خانواده مان

صبری وافر بگذار که میدانم بدون این مسأله تحمل چنینی مسأله ای را ندارند .

خدا یا ممتسانه می تویم و بارها گفته ام که خبرگوشه است - (مام عزیز چنینی کبری و آقا فاضل

حضرت هدی رنج ، برای استبانه دار . « آمینی »

خدایا بار پدر در نار آن کسانی که حافظی و حامی انقلابند حفظ و دشمنان انقلاب را نابرد

بگردان « آمینی » . خدایا بخوبی میدانم و برایم ملموس است که بهترین ها را اسبوتی می شی

و حجابشان را میدری و من این را در خورد نمی بینم ولی شاید دخترگویی در دو نم چنینی فیضی را

نصیب کرد . خدایا دختر دعایم سلامت و مجروحی و صبری به معنای می باشد ،

و اما خانواده عزیز و پدر و مادر خویم که خیلی عزایبان و آدم و همه شما می گفتم برای

اسلام می خواهم خدمت کنم و شما بنا به علائق می گفتید که بالاخره از دست مای روی

و اینکار رکن و هسته به شما می‌نماید و آخرین بار هم میگویم که من و ما و شما همه از آن  
هستیم و هر وقت امنیت را نخواهد پس می‌گردد و کسی را دخل و تصرفی در آن نیست. مهربان  
منی دانم می‌نویسد یا نه ولی ان شاء الله می‌نویسد و خدا به شما می‌نویسد و مرا هم می‌نویسد  
و شما بزرگان می‌آوردید که کوراً بیدیم. خدا به شما مهربی دهد و صبور باشید که صبحه از  
صبور و صابر بسیار بالاست. مادر الرضا در فاطمه زهرا به کوراً می‌نویسد و لایق  
تورا دلدادی میدهند. « ان شاء الله... » و اما برادر محمد در صحنی راه که هستی به جمهوری اسلامی  
خدمت و پایه های جمهوری را محکم ثمران که خرابی و هدایت می‌کند و اصلاً به دنیا نیاید  
لیت و بی ارزشی دل میند. که فقط اسباب آزمایش است و امتحان و برادر و خواهر  
شما هم قدر مهربانی اسلامی را بدانید که نعمت بزرگی و کوه خیزان کفران نعمت محالنه دارد  
و جزا هستی بفرستد اسلام باسید « ان شاء الله... » و صفتی شما مرا بنویسد و احساس دعا دارم.

وامادوتنا خرم برادران و خواهران شما هم لزم رنجیدی دارید از شما می‌خواهم  
که مرابجید و التری کرده ام از من بگذرید - تذکر این است که امام رازها تلفید و پس.

از طله (توم) - آشنایان - دوستان طلب بخشش می‌آیم و امیدوارم که التری

کرده ام بچند - ختماً برای دعا کنید اما دعا برای امام دبرای من در

برای مؤمنین را فراموش تلفید . والسلام

سید حق و دلیل - خدمتکار اسلام (الرخدا خجراهد

التماس دعا

مشوش دانیال - ۶۰۲۳۰۰ - مجیدبائی